

شناسایی ابعاد سازندهی طرد اجتماعی زندانیان زن (مورد مطالعه زندان‌های استان لرستان)

مجتبی روشن پور* رضاعلی محسنی** حسین آقاجانی مرساء***

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی ابعاد سازندهی طرد اجتماعی زندانیان زن و با روش پیمایشی انجام شد. جامعهی آماری تمام زنان زندانی در بند زنان زندان‌های استان لرستان به تعداد ۱۰۰ نفر بودند که از آنها، تعداد ۸۱ نفر براساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شد. داده‌های گردآوری‌شده، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌ی اصلی، تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد که طرد عینی و طرد ذهنی دو بعد سازندهی طرد اجتماعی زندانیان زن در استان لرستان است. ضعف پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بی‌اعتمادی و رهاشدگی، نپذیرفتن فرد از طرف خانواده و دوستان، بدنامی اجتماعی و تنهایی فرد پس از آزادی، ضعف اعتقادات دینی و اخلاقی فرد و خانواده و لغزش بنیان‌های خانوادگی از مؤلفه‌های طرد عینی‌اند و ناامیدی از آیندهی پیش رو، زیست‌جهان شکننده و احساس نبود پذیرش از طرف خانواده و دوستان از مؤلفه‌های طرد ذهنی‌اند. نتایج حاکی است که نحوه‌ی برخورد فردی و اجتماعی با زندانیان، پس از بازگشت به اجتماع، نقش اساسی در پیشگیری از جرم و ورود مجدد آنان به زندان دارد.

واژگان کلیدی

زنان زندانی، زندان، طرد اجتماعی، استان لرستان.

*. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (roushanpour@gmail.com)

** دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده‌ی مسئول) (mohseni.net14@gmail.com)

*** دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (hos.aghajani@iauctb.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۶

۱. مقدمه و بیان مسئله

در فراز و نشیب تاریخ، انسان‌ها از دردها و آسیب‌های اجتماعی رنج‌های بسیاری برده‌اند، به طوری که همواره در جست‌وجوی یافتن علل و انگیزه‌های آنها بوده‌اند تا راه‌ها و شیوه‌هایی را برای پیشگیری و درمان آنها بیابند. جرم علاوه بر اینکه هزینه‌های هنگفتی را در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و حتی سیاسی بر جامعه و نظام اجتماعی تحمیل می‌کند، خسارت جسمی، مالی و عاطفی متعددی را نیز بر بزه‌دیدگان خود وارد می‌کند. مجرم باید مجازات شود، اما اگر به علل وقوع جرم توجه نشود، مجازات اعمال شده بی‌اثر خواهد بود و مجرم احتمال بیشتری دارد که دوباره مرتکب جرم شود (غفاری و امیدی، ۱۳۹۴: ۲۸).

جامعه‌شناسانی مانند دورکیم^۱ و مرتون^۲ معتقدند، بزهکاری محصول شرایط اجتماعی است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۲: ۴۶۱). جرم یک پدیده‌ی نامناسب اجتماعی است که آثار منفی اقتصادی و اجتماعی به دنبال دارد (Mada & Kheirkhahan, 2010: 71). در بسیاری از کشورها، همچنان، مجازات حبس اصلی‌ترین راهکار مقابله با آسیب‌های اجتماعی و فرد مجرم است. اما اینکه این نوع مداخله برای اصلاح افراد مجرم باشد، محل تردید است، زیرا نتایج برخی از مطالعات خلاف این موضوع را نشان می‌دهند و مجازات حبس چندان با فلسفه‌ای که برای آن در نظر گرفته شده منطبق نیست (گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۴۸). مطالعات و پژوهش‌های علمی متعدد نشان می‌دهد که اغلب زندان‌ها در اصلاح زندانیان موفق نبوده‌اند و افرادی که به زندان افتاده‌اند، از ارتکاب جرم بازداشته نشده‌اند. تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی، نشان می‌دهد که چگونه زندان زنان را در یک موقعیت خاص قرار می‌دهد و برای آنها پیامدهای بسیار جدی را رقم می‌زند که زنان بخش عمده‌ای از آن را منفی تلقی می‌کنند و تبعاتی مانند طرد خانوادگی و اجتماعی، دوری از فرزندان، پیامدهای حبس، طلاق، آموزش و یادگیری بزهکاری در زندان را برای آنها به دنبال دارد (صادقی‌فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۱۸).

آمارها نشان می‌دهند که بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از کسانی که از زندان آزاد می‌شوند، مجدد مرتکب جرم می‌شوند (Kendall, 2000: 187). شواهد نشان می‌دهد که شیوع جرم در جوامع و تعداد زنان زندانی در حال افزایش است. همواره، از مشکلات مهم مراکز تأمینی-تربیتی ائتلاف سرمایه‌ی انسانی و اقتصادی است و تحمیل هزینه‌ی بازگشت زندانیان آزاد شده به جرم سابق یا جدید به زندان‌هاست. مطالعه‌ی آماری پیشینه‌ی کیفی زندانیان بالابودن میزان بازگشت به جرم

1. Dorkhim

2. Merton

در زندان‌ها را نشان می‌دهد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۶). نتایج تحقیقات شمس، طغرانگار، قلخانباز و دیگران نشان می‌دهد که میزان بازگشت مجدد به زندان در بین زنان دوبرابر مردان است. یکی از عوامل مؤثر در بازگشت مجدد زنان به زندان طرد اجتماعی به علت‌های مختلفی است (شمس، ۱۳۸۷؛ طغرل‌انگار، ۱۳۸۷؛ قلخانباز، خزایی و افشاری، ۱۳۹۱).

بررسی وضعیت زنان در جوامع مختلف نشان می‌دهد با وجود دستاوردهای بهبود زندگی، هنوز منزلت اجتماعی زنان پایین‌تر است و این جایگاه با پیشینه‌ی مجازات حبس تشدید هم می‌شود. باتوجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، طرد اجتماعی برای زنان پیامدهای زیان‌بارتری نسبت به مردان دارد (قاسمی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۰).

زنان گروه کوچکی از کل زندانیان را تشکیل می‌دهند، اما نیمی از جوامع انسانی هستند که شالوده و بنیان جوامع و خانواده به سلامت آنها بستگی دارد، زیرا نقش کلیدی زنان در فرزندپروری و همبستگی خانواده اهمیت زیادی دارد. در بیشتر مواقع، افراد مجرم، پس از آزادی، به دلیل سوء نگرش اجتماع به آنها از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده فرصت‌های جبران‌ناپذیری را از دست می‌دهند و وجود چنین سابقه‌ی نامطلوبی در زندگی آنها تأثیر زیادی دارد. جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای رسمی و غیررسمی این افراد را طرد می‌کنند و امکان بازگشت آنها مانند یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده‌ای مواجه است که این امر باعث تکرار جرم فرد مجرم و بازگشت مجدد آنها به زندان می‌شود (قلخانباز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

علی‌رغم مباحث مهم مطرح شده و آثار مخرب مستقیم و غیرمستقیم طرد اجتماعی زندانیان زن بر فرد و جامعه از یک سو و نگاه بسیار منفی حاکم نسبت به زنان زندانی در استان لرستان به علت بافت سنتی و قومیتی این استان از سوی دیگر، متأسفانه تاکنون، در این استان این مسئله‌ی اجتماعی علمی بررسی نشده است، بنابراین پرسش اساسی این پژوهش عبارت است از: ابعاد سازنده‌ی طرد اجتماعی زندانیان زن در استان لرستان کدامند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

احمدی و نیک‌پورقنواتی در تحقیقی با عنوان «بررسی و مطالعه‌ی جرائم زنان» بیان می‌کنند، باتوجه به شرایط خاصی که زنان زندانی دارند، رسیدن به بیشترین کارآیی و اثربخشی زندان زنان با هدف بازپروری امری ضروری است. در راستای تحقق این هدف و اجرای برنامه‌های بازپروری و اصلاحی می‌بایست، تربیت و تأمین نیروی انسانی شایسته و متخصص در بخش‌های مختلف زندان زنان در دستور کار قرار گیرد (احمدی و نیک‌پورقنواتی، ۱۳۸۴).

در پژوهش دیگری ملک‌میان و شریفیان به این نتیجه دست یافتند که ازهم‌گسیختگی خانواده، سن ازدواج، محیط زندگی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی در بین زنان مجرم در ارتکاب جرم مجدد آنان تأثیر معنادار دارد و در به زندان افتادن زنان مؤثر بوده است (ملکمیان و شریفیان، ۱۳۸۸).

نتایج تحقیق باقری، ملتفت و رضادوست با عنوان «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم» نشان داد که متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، یادگیری اجتماعی، قومیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، منطقه‌ی محل سکونت، با متغیر وابسته‌ی جرم رابطه‌ی معناداری دارند، درحالی‌که متغیرهای مستقل سن، اشتغال و ازهم‌گسیختگی خانوادگی با متغیر وابسته‌ی جرم رابطه‌ی معناداری نداشتند (باقری، ملتفت و رضادوست، ۱۳۸۸).

کفاشی و اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی» نشان دادند که یادگیری و آشنایی با جرایم جدید در زندان، فرد را در اجرای جرایم قبلی با تجربه می‌کند و در مقدار و تکرار جرایم بعدی تأثیرگذار است (کفاشی و اسلامی، ۱۳۸۸).

فیروزآبادی و صادقی ابعاد طرد اجتماعی در بین زنان فقیر روستایی را بررسی کردند، نتایج تحقیق آنان حاکی است که طرد و محرومیت انباشتی زنان به‌گونه‌ای فرایندی با ویژگی‌های فردی، ساختار خویشاوندی، فقر مزمن و بین نسلی و با عوامل اجتماعی رابطه‌ی معنادار دارد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹).

مظاهری و دیگران نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوع اختلالات شخصیت در میان زندانیان زن زندان زاهدان» نتیجه گرفتند که اختلالات شخصیتی در جامعه‌ی آماری بررسی شده شیوع بالایی دارد که به بررسی بیشتر و تدابیر پیشگیرانه و مراقبت‌های بهداشتی-روانی نیاز دارد (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۹).

معروفی در تحقیقی با عنوان «پیامدهای زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان» اظهار داشت، نتایج حاکی است که زندانی شدن والدین بر وضعیت تحصیلی فرزندان تأثیر منفی داشته و این اثر بر عملکرد تحصیلی دختران بیشتر و بر عملکرد دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه به ترتیب بیش از دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی بوده است (معروفی، ۱۳۸۹).

عرفانی، داورنیا و بخشی‌زاده در پژوهشی با عنوان «تأثیر زندان بر تکرار جرم، مورد مطالعه زنان زندان مرکزی اردبیل» به این نتیجه رسیدند که یادگیری جرم در زندان و مقدار باقی‌مانده‌ی حبس با تکرار جرم رابطه‌ی معناداری دارند (عرفانی، داورنیا و بخشی‌زاده، ۱۳۹۰).

دلپسند، یار و خانی در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و جرم جوانان شهر ایلام» به این نتیجه رسیدند که با افزایش میزان حمایت اجتماعی، احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد.

قلخانباز، خزایی و افشار اظهار داشتند محل سکونت، سابقه‌ی ارتکاب جرم در دوستان، مصرف مواد قبل از زندان، سن اولین ارتکاب جرم با تکرار زندانی شدن رابطه‌ی معنادار دارند (قلخانباز، خزایی و افشار، ۱۳۹۱).

زارع‌شاه‌آبادی و بلگوریان در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه‌ی طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد» به این نتیجه رسیدند که میان طردشدگی و میزان درآمد خانواده و نوع شغل پدر و بزهکاری رابطه‌ی معنادار وجود دارد (زارع‌شاه‌آبادی و بلگوریان، ۱۳۹۳).

معظمی و دیگران در پژوهشی با عنوان «تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان» علل و عوامل تکرار جرم زنان که یک مسئله‌ی مهم اجتماعی است را بررسی کرده‌اند و بر طرح راه‌های کاهش تکرار جرم مددجویان آزادشده تمرکز کردند. این مطالعه با بهره‌گیری از تئوری‌های جامعه‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی مانند آنومی، برچسب‌زنی، خرده‌فرهنگ بزهکاری، معاشرت ترجیحی، تأثیر زندان در تکرار جرم زنان و تکرار جرم مددجویان آزادشده را مطالعه کردند با پرسش اصلی که چه عواملی در تکرار جرم و بازگشت مجدد زنان به زندان مؤثر است. یافته‌ها نشان داد که بین عوامل فردی از قبیل سن، تحصیلات و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد، همچنین آزمون‌های آماری معتبر گویای این موضوع است که بین میزان نبود پذیرش از طرف خانواده و محیط اجتماعی با امکان بازگشت مجدد به زندان رابطه‌ی معکوس وجود دارد. به عبارتی، هرچه میزان پذیرش زندانی از طرف خانواده و محیط اجتماعی پس از آزادی کمتر باشد، امکان بازگشت مجدد بیشتر خواهد شد (معظمی و دیگران، ۱۳۹۴).

وروایی و دیگران در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم» دریافتند که ارتکاب مجدد جرم رابطه‌ی معناداری با طرد اجتماعی دارد و هرچه میزان طرد اجتماعی بالاتر باشد، احتمال ارتکاب مجدد جرم در بین مجرمان افزایش می‌یابد (وروایی و دیگران، ۱۳۹۵).

گلدوزیان و حدادی در تحقیقی با عنوان «حبس‌های کوتاه‌مدت و تأثیر آن بر تکرار جرم» به این نتیجه رسیدند که بزهکاران پس از اولین محکومیت (کمتر از یک سال) با فراگرفتن مهارت‌های جدید در ارتکاب جرم و معاشرت با دوستانی که به‌تازگی و در زندان با آنها آشنا شدند، به تکرار جرم سوق پیدا کرده‌اند (گلدوزیان و حدادی، ۱۳۹۵).

اسمیت و مک کارتی در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر توجه زندانیان به خانواده در پیامدهای ورود مجدد به جامعه» دریافتند که زندانیانی که روابط خانوادگی را بهبود می‌بخشند و از خانواده طرد نمی‌شوند، به طور چشمگیری کمتر در معرض مجازات مجدد قرار می‌گیرند و احتمال پذیرفته‌شدن آنها در جامعه و یافتن شغل بالا می‌رود (Smith & McCarthy, 2016).

تاؤل تأثیر برنامه‌های مداخله‌ای متکی بر مجازات و برنامه‌های مداخله‌ای متکی بر تقویت رفتارهای مثبت مددجویان را در یک اردوگاه مقایسه کرد و دریافت که هرچه بر مجازات مددجویان بیشتر تأکید شود، میزان ارتکاب جرم و محکومیت مجدد نیز افزایش می‌یابد (Towel, 2003).

کوچران، مطالعه‌ای با عنوان «نفوذ و شکاف در دیوار: حبس، حمایت اجتماعی و تکرار جرم» در فلوریدا انجام داد. یافته‌ها نشان داد زندانیانی که میزان بازدید از آنها بیشتر است و فاصله‌ی زمانی ملاقات‌ها کمتر است و فرد از جامعه‌ی خود طرد نمی‌شود و از حمایت اجتماعی خانواده و دوستان برخوردار است، احتمال کمتری دارد که مجدد مرتکب اعمال مجرمانه شود (Cochran, 2014).

نیوتن و دیگران در مطالعه‌ای با استفاده از بررسی سیستماتیک از شواهد تجربی، تأثیر برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و پرورشی بر تکرار جرم را بررسی کردند، نتایج نشان داد بین بیکاری و مجرم‌بودن و همچنین تکرار جرم رابطه‌ی اثبات‌شده‌ای وجود دارد (Newton & et al, 2016).

به‌طور کلی تحقیقات انجام‌شده حاکی از آن است که در این تحقیقات جنبه‌ی توصیفی طرد اجتماعی بیشتر از جنبه‌ی تحلیلی آن بررسی شده است و فقط عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی زنان به‌صورت محدود و فقط یک بعد از مفهوم جامع طرد اجتماعی بررسی شده است. در صورتی که در مطالعه‌ی حاضر عوامل سازنده‌ی طرد اجتماعی و روابط بین آنها در زندانیان زن زندان‌های استان لرستان به‌صورت گسترده واکاوی و شناسایی شده است.

۳. مبانی و چارچوب نظری

طرد اصطلاح جدیدی نیست و در جوامع قدیم واژگان مشابه آن وجود داشته است، نظیر تبعید در آتن باستان، اخراج از وطن در رم و سایر جوامع. طرد جداکردن یک فرد یا گروه از جامعه و در برخی موارد محرومیت فرد از تمام حقوق اجتماعی، مذهبی و ارتباط با دیگران را شامل می‌شود (زیبرا، ۱۳۹۳: ۱۱).

پیس، در یک تقسیم‌بندی دوگانه تعریف محدود و گسترده را از مفهوم طرد اجتماعی مطرح کرده است. در تعریف اولیه و محدود، وی طرد را مترداف فقر درآمدی و وضعیت افرادی می‌داند که نمی‌توانند به بازار کار درآمدزا ملحق شوند و یا کاری با دستمزد پایین دارند. در تعریف گسترده،

طرد معنایی بسیار وسیع‌تر از فقر، نابرابری درآمده، محرومیت یا فقدان شغل دارد. طرد مفهومی چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که فقدان منابع، نداشتن حقوق اجتماعی و فرایندی پویا در طول زندگی افراد محروم را نشان می‌دهد. پویایی فرایند طرد از محرومیت چندگانه، گسست پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی و گم کردن هویت و هدف ناشی می‌شود. امروزه، طرد به این معنا به کار می‌رود (قاضی‌نژاد و ساوالان‌پور، ۱۳۸۸، به نقل از Pis, 2001).

با مرور تعاریف مطرح‌شده برای طرد اجتماعی در آثار مرتبط با آن، طرد اجتماعی عبارت است از محرومیتی طولانی‌مدت که به جدایی از مشارکت کامل از اجتماع می‌انجامد. فرایندی که در نتیجه‌ی آن افراد و گروه‌های اجتماعی معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند (بلیک‌مور، ۱۳۹۲: ۴۳۵). طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌ها از مسائلی نظیر بیکاری، تبعیض، مهارت‌های کم، درآمد پایین، بیماری، ازهم‌پاشیدگی خانوادگی و پیوندها رنج می‌برند. به نظر دورکیم بحران جامعه‌ی جدید همانا ازهم‌پاشیدگی اجتماعی و ضعف پیوندهایی است که فرد را به گروه مربوط می‌کند. جوامع جدید به علت گذار و تحول ناقص از همبستگی مکانیکی به سمت همبستگی ارگانیکی بعضی علائم ناهنجار که اعم آن نارسایی جذب‌شدن و ادغام فرد در اجتماع است را بروز می‌دهد (آرون، ۱۳۹۱: ۳۸۵).

به‌زعم هیرشی^۱ افراد از لحاظ درجه‌ی قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. به نظر وی بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه متأثر است (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۰). هیرشی معتقد است، اگر بر اثر برخی از علقه‌های (پیوندها) اجتماعی نبود، انسان‌ها گرایش به رعایت قوانین نداشتند و ملزم نبودند به آنها احترام گذارند (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۳).

مرتون^۲ معتقد است که جامعه فرد را به ارتکاب رفتار مجرمانه مجبور می‌کند و کج‌رفتاری و ارتکاب آن حاصل از فشارهای ساختاری و اجتماعی است. به نظر او، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی مهمترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلتی می‌شوند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است؛ یعنی جامعه طوری ساخت یافته است که طبقات فرودست فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود

1. Hirsch

2. Merton

دارند. در نتیجه، چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه‌ی افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده است، فردی هم که دسترسی به ابزارهای مشروع ندارد، با فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۲). از نظر مرتون، انحراف در پی تفاوت بین انگیزه‌های اصلی از فرهنگ و امکانات تحقق این انگیزه‌ها به وجود می‌آید و متذکر می‌شود که این امکانات به قشر افراد وابسته است (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۲۰).

نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بر یادگیری در زمینه و بستر اجتماعی تأکید دارد. این نظریه می‌گوید که مردم از یکدیگر می‌آموزند. این یادگیری می‌تواند براساس مشاهده، تقلید یا مدل‌سازی باشد. نظریه‌ی پیوند افتراقی ساترلند، مشهورترین نظریه یادگیری، در موضوع کج رفتاری اجتماعی ست (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۸). نکته‌ی اصلی نظریه‌ی ساترلند این است که رفتار مجرمانه از طریق کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. افرادی که قانون‌گریزی می‌کنند در انتقال فرهنگ، خود نه تنها تکنیک‌ها و چگونگی انجام رفتار تخلف‌آمیز را می‌آموزند، بلکه انگیزه، سائق و توجیه رفتار تخلف‌آمیز را نیز منتقل می‌کنند. افراد به این علت کج رفتاری می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است.

۱۳۰

آبراهامسون^۱ معتقد است خانواده‌های افراد بزهکار نسبت به خانواده‌های افراد غیربزهکار در شرایط عاطفی نامطلوبی به سر می‌برند که فشار خانواده نامیده می‌شود. این فشار خانواده با خصومت، تنفر، عصبانیت، آزدگی، پرخاشگری و آشفتگی‌های عصبی به وجود آمده و حفظ شده است که هم در والدین و هم در فرزندان آشکار می‌شود؛ لذا استدلال می‌شود که فقدان روابط گرم و عاطفی در خانواده در بزهکاری تأثیر دارد (Barber, 1992).

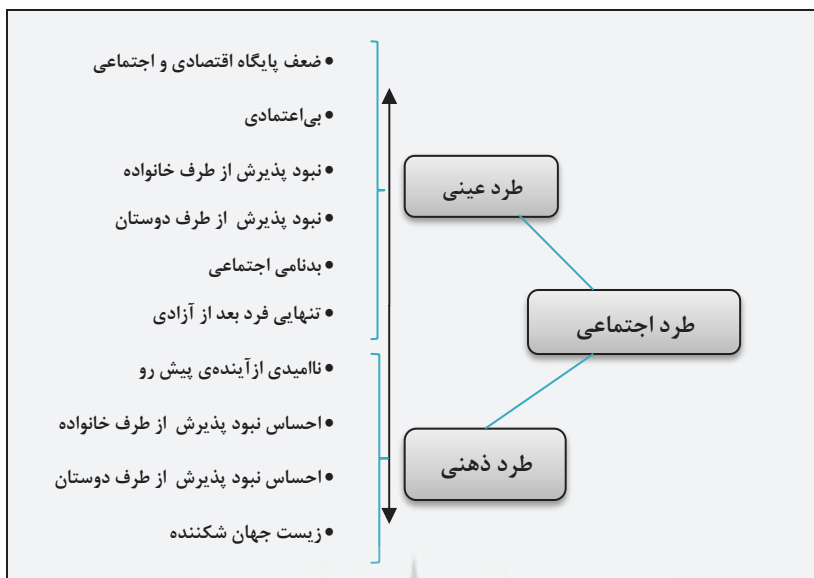
از میان نظریه‌های جامعه‌شناختی کج‌رویی، نظریه‌های کنترل اجتماعی، برچسب‌زنی، پیوند افتراقی و نظریه‌ی فشارهای ساختاری با موضوع مطالعه در این تحقیق تناسب بیشتری دارند. این نظریه‌ها بر عوامل محیطی و تعاملات اجتماعی، عامل زمینه‌ساز بروز رفتارهای انحرافی، تأکید دارند. در نظریه‌ی کنترل اجتماعی پیوندهای اجتماعی مددجویان عامل بازدارنده‌ی رفتارهای انحرافی محسوب می‌شوند، از سویی، زندان طرد اجتماعی زندانی را موجب می‌شود و هرچه زندانی بیشتر از جامعه و اطرافیان فاصله گیرد، فرد به دور از انتظارات و کنترل اجتماعی دوباره به ارتکاب اعمال مجرمانه مبادرت می‌ورزد. طبق نظریه‌ی کنترل اجتماعی مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی جرم علاقه به دیگران، تعهد به خانواده، شغل و دوستان، مشغولیت و مشارکت مداوم در فعالیت‌های

زندگی و اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه است و گسست و ضعف در هریک از پیوندها باعث بروز رفتارهای ناپه‌نجان و انحرافی می‌شود.

نظریه‌ی برچسب‌زنی به عامل نگرش و تعریف مددجویان در اثر ارتکاب جرم و تجربه‌ی زندگی در محیط زندان مرتبط می‌شود. هرچه مددجویان برچسب انحرافی بیشتری از محیط دریافت کنند و از این شناسه‌ها برای عامل هویت‌بخشی خویش استفاده کنند، به احتمال زیاد خود را بیشتر فرد کج‌رو تعریف خواهد کرد و هرچه دامنه‌ی این تعریف وسیع‌تر باشد، فرد آمادگی بیشتری برای ارتکاب انحراف بعدی خواهد داشت. بخشی از هویت زندانی با برچسبی که جامعه به او می‌زند شکل می‌گیرد. برچسب‌زنی انحراف یکی از مهم‌ترین عوامل تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزادشده به زندان است.

براساس نظریه‌ی پیوند افتراقی نیز استدلال می‌شود که مجرم، از تاریخ ورود به زندان تا خروج از آن، شخصیتی متفاوت پیدا می‌کند و رفتار متقابل زندانیان و تأثیرگذاری آنان در یکدیگر، انتقال سوابق مجرمانه را موجب می‌شود. زندان می‌تواند موجب ارتقای کیفی جرایم شده و هرچه ماندگاری زندانی در زندان بیشتر باشد، خرده فرهنگ کج‌رو به شکل‌های مختلف خود را در تعاملات و مناسبات اجتماعی مددجویان در زندان بازتولید می‌کند و امکان ارتکاب مجدد جرم فرد زندانی بعد از آزادی بیشتر می‌شود.

در نظریه‌ی فشارهای ساختاری رفتارهای انحرافی مددجویان نتیجه‌ی فشارهای اجتماع است که بعضی مردم را به کج‌روی وادار می‌کند. فقر و محرومیت از روابط ناسالم و نیز غیرعادلانه نظام اقتصادی حاکم بر جامعه ناشی می‌شود. فقر و محرومیت نابسامانی‌ها و افزایش جرایم را موجب می‌شود. بعد از آزادی از زندان، زندانی باید با شوک ورود به جامعه نیز مقابله کند و با زندگی جدید انطباق و سازگاری یابد. زندانی فرد عادی محسوب نمی‌شود، بلکه بخشی از یک گروه بزرگ زندانیان یا خطاکاران محسوب می‌شود. جمعی که نمادی از جامعه است و البته بخش فرو کاسته‌ی آن. زندانی وارد جامعه‌ای می‌شود که تم‌ها یا درون‌مایه‌های غالب آن عبارت‌اند از: جدایی از جامعه، جدایی از خانواده و دوستان، بی‌اعتمادی، انزوای اجتماعی، برخوردار نشدن از منزلت اجتماعی و جدایی از شخصیت و هویتی شناخته‌شده‌ی مطلوب. مجموعه عوامل فوق به تخریب و زوال شخصیت انسانی زندانی منجر می‌شود و زمینه‌ی ارتکاب جرم را در زندانی افزایش می‌دهد.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۴. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش پژوهش توصیفی پیمایشی استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی زنان با حداقل دوبر سابقه‌ی زندان در بند زنان زندان‌های استان لرستان به تعداد ۱۰۰ نفر بوده‌اند. براساس فرمول کوکران تعداد ۸۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شد. پرسش‌نامه‌ی تنظیم‌شده در قالب ۴۴ گویه (۲۹ گویه مربوط به بعد طرد عینی و ۱۵ گویه برای بعد طرد ذهنی) تدوین شد. پس از تعیین روایی صوری و محتوایی، روی ۳۰ نفر از نمونه‌ی اولیه اجرا شده، پایایی گویه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و ضرایب پایایی در دامنه‌ی ۰/۹۱ تا ۰/۹۵ تعیین شد. بعد از جرح و تعدیل گویه‌ها، اساتید حوزه‌ی علوم اجتماعی روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه را بررسی و تعیین کردند. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوط به مؤلفه طرد عینی (۰/۹۱)، مؤلفه طرد ذهنی (۰/۹۳) و کل سؤالات پرسش‌نامه (۰/۹۵) محاسبه شد. درنهایت علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهشی

همان‌طوری که در مدل نظری تحقیق آورده شده است، براساس مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی ابعاد سازنده‌ی طرد اجتماعی زندانیان زن به دو عامل طرد عینی و ذهنی دسته‌بندی شده‌اند. در ذیل، داده‌های جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه‌ها تجزیه و تحلیل و مؤلفه‌های مربوط به ابعاد مذکور شناسایی شده‌اند.

۵-۱- مؤلفه‌های طرد عینی زنان زندانی در استان لرستان

برای پاسخگویی به سؤال فوق از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. ابتدا، با استفاده از آزمون‌های بارتلت و کایزر، داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بررسی شدند. با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده برای آماره‌ی آزمون کایزر-مایر-اولکین (KMO) (۰/۸۶۵) بیشتر از ۰/۵ بود، کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی تأیید شد و با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده برای آزمون کروییت بارتلت (۱۹۳۸/۱۹۶) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار بود ($P < ۰/۰۱$)، توانایی عاملی بودن داده‌ها تأیید شد. سپس، از روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شد و سؤالاتی که اشتراک استخراجی آنها حداقل ۰/۵ بود وارد تحلیل شدند و سهم هر کدام از تبیین کل واریانس مشخص شد، سپس از روش واریماکس (متعامد) برای چرخش عامل‌ها استفاده و ماتریس عامل‌های چرخش یافته تشکیل شد. در این ماتریس براساس همبستگی هر سؤال با عامل حداقل (۰/۵)، سؤالات در قالب مؤلفه‌ها دسته‌بندی شدند، که نتایج آن در جداول زیر نشان داده شده‌اند.

جدول ۱. نتایج آزمون KMO آزمون کایزر-مایر-اولکین و بارتلت

مقدار	نوع آزمون	
۰/۸۶۵	آماره‌ی آزمون KMO	
۱۹۳۸/۱۹۶	آماره‌ی مجذور خی (خی دو)	آزمون کروییت بارتلت
۴۰۶	درجه‌ی آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

براساس جدول شماره‌ی ۱، مقدار محاسبه شده برای آماره‌ی KMO (۰/۸۶۵) بیشتر از ۰/۵ است که بیانگر کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی است. مقدار محاسبه شده برای آزمون کروییت بارتلت (۱۹۳۸/۱۹۶) نیز در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($P < ۰/۰۱$)، بنابراین توانایی عاملی بودن داده‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۲. تبیین کل واریانس با مؤلفه‌های استخراج شده

شماره‌ی مؤلفه	مقادیر ویژه			مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته		
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۱۴/۲۲۸	۴۹/۰۶۳	۴۹/۰۶۳	۷/۱۲۴	۲۴/۵۶۷	۲۴/۵۶۷
۲	۲/۸۳۶	۹/۷۷۹	۵۸/۸۴۲	۵/۵۲۸	۱۹/۱۶۱	۴۳/۶۲۸
۳	۱/۴۹۲	۵/۱۴۴	۶۳/۹۸۷	۳/۹۴۰	۱۳/۵۸۵	۵۷/۲۱۳
۴	۱/۲۶۱	۴/۳۴۸	۶۸/۳۳۵	۱/۹۲۹	۶/۶۵۲	۶۳/۸۶۵
۵	۱/۱۴۲	۳/۹۳۸	۷۲/۲۷۲	۱/۸۰۲	۶/۲۱۳	۷۰/۰۷۸

همان‌طوری که جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد، ۵ مؤلفه به روش مؤلفه‌ی اصلی استخراج شده‌اند که مقادیر ویژه‌ی بالاتر از ۱ دارند. این مؤلفه‌ها، در مجموع ۷۰/۰۷۸ درصد (حدود ۷۰ درصد) از کل واریانس را تبیین می‌کنند. بیشترین سهم را مؤلفه‌ی اول با ۲۴/۵۶۷ درصد و کمترین سهم را مؤلفه‌ی پنجم با ۶/۲۱۳ درصد به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی مربوط به مؤلفه‌های عاملی طرد عینی

عامل	شماره‌ی مؤلفه	نام مؤلفه	شماره‌ی گویه‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
طرد عینی	مؤلفه‌ی ۱	ضعف پایگاه اجتماعی- اقتصادی، بی‌اعتمادی و رهاشدگی پس از آزادی	۶	فقدان نهادهای مدنی قوی برای حمایت از زندانی بعد از آزادی	۰/۸۷۱	۱۴/۲۲۸	۲۴/۵۶۷
			۷	سطح پایین آموزش مهارت‌های اساسی زندگی	۰/۸۶۱		
			۲۶	نبود مشاور یا راهنما در زندگی	۰/۸۵۲		
			۸	نوع خدمات‌دهی مؤثر به زندانیان بعد از آزادی	۰/۸۴۹		
			۴	برچسب (انگ) مجرم بودن از طرف اعضای جامعه	۰/۷۴۶		
			۲۵	سرزنش و کنایه‌ی افراد جامعه	۰/۷۴۳		
			۲۳	وضعیت بد طبقاتی	۰/۶۰۵		
			۱۳	زندگی در مناطق حاشیه‌نشین	۰/۵۹۰		

عامل	شماره‌ی مؤلفه	نام مؤلفه	شماره‌ی گویه‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
طرد عینی	مؤلفه‌ی ۱	ضعف پایگاه اجتماعی- اقتصادی، بی‌اعتمادی و ره‌اشدگی پس از آزادی	۱۵	بی‌اعتمادی اعضای جامعه به فرد مجرم	۰/۵۷۶	۱۴/۲۲۸	۲۴/۵۶۷
			۵	نداشتن درآمد	۰/۵۷۱		
طرد عینی	مؤلفه‌ی ۲	نبود پذیرش فرد از طرف خانواده و دوستان پس از آزادی	۱۷	بدنامی اجتماعی دوستان	۰/۸۴۷	۲/۸۳۶	۱۹/۰۶۱
			۲	دوستان	/۸۲۰		
			۲۹	افزایش رفت و آمد و دوستی با دوستان خلاف کار	۰/۸۰۶		
			۱۶	بی‌اعتمادی خانواده به فرد مجرم	۰/۷۵۱		
			۲۸	فقدان حمایت اجتماعی خانواده بعد از ارتکاب جرم	۰/۷۱۶		
۲۷	نبود پذیرش مجرم از طرف خانواده بعد از آزادی از زندان	۰/۶۹۶					
طرد عینی	مؤلفه‌ی ۳	بدنامی اجتماعی و تنهایی فرد پس از آزادی	۱۹	نبود پذیرش مجرم از طرف همسایگان بعد از آزادی از زندان	۰/۷۵۵	۱/۴۹۲	۱۳/۵۸۵
			۲۰	نبود حمایت اجتماعی خویشاوندان	۰/۷۳۲		
			۲۲	از دست دادن شغل	۰/۶۳۸		
			۱۱	نبود پذیرش از طرف خویشاوندان بعد از آزادی از زندان	۰/۵۶۵		
			۱۲	فقدان مشارکت اجتماعی	۰/۵۴۳		
			۱۴	نبود حمایت اجتماعی دوستان بعد از ارتکاب جرم	۰/۵۲۹		

عامل	شماره مؤلفه	نام مؤلفه	شماره ی گویه ها	گویه ها	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
	مؤلفه ی ۴	ضعف اعتقادات دینی و اخلاقی فرد و خانواده	۱۰	فقدان پایبندی دینی خانواده	۰/۸۲۵	۱/۲۶۱	۶/۶۵۲
			۱۸	بدنامی اجتماعی خانواده	۰/۵۸۷		
			۹	فقدان پایبندی دینی فرد	۰/۵۴۷		
طرده عینی	مؤلفه ی ۵	لغزش بنیان های خانوادگی	۱	خانواده	۰/۷۵۶	۱/۱۴۲	۶/۲۱۳
			۳	اقوام	۰/۷۱۱		
			۲۴	میزان رواج کج روی در خانواده	۰/۸۵۹		
			۲۱	ازهم گسیختگی خانواده	۰/۵۵۸		
	مجموع	عوامل طرده عینی	-	شاخص های ۱ تا ۲۹	-	-	۷۰/۰۷۸

همان طور که نتایج جدول شماره ی ۳ نشان می دهد، برای عامل طرده عینی ۵ مؤلفه به روش مؤلفه ی اصلی استخراج شده اند که مقادیر ویژه ی بالاتر از ۱ دارند. این مؤلفه ها، در مجموع ۷۰/۰۷۸ درصد (حدود ۷۰ درصد) از کل واریانس را تبیین می کنند. بیشترین سهم را مؤلفه ی اول «ضعف پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بی اعتمادی و رهاشدگی پس از آزادی با ۲۴/۵۶۷ درصد و کمترین سهم را مؤلفه ی پنجم لغزش بنیان های خانوادگی با ۶/۲۱۳ درصد به خود اختصاص داده اند. سپس مؤلفه های مربوط به عامل طرده ذهنی شناسایی شده اند.

۵-۲- مؤلفه های طرده عینی زنان زندانی در استان لرستان

بر اساس جدول شماره ی ۴، مقدار محاسبه شده برای آماره ی KMO (۰/۹۰۵) بیشتر از ۰/۵ است که بیانگر کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی است. مقدار محاسبه شده برای آزمون کرویت بارتلت (۱۶۳۲/۵۷۹) نیز در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار است ($P < ۰/۰۱$)، بنابراین توانایی عاملی بودن داده ها تأیید می شود.

جدول ۴. نتایج آزمون KMO آزمون کایزر- مایر- اولکین و بارتلت

مقدار	نوع آزمون	
۰/۹۰۵	آماره‌ی آزمون KMO	
۱۶۳۲/۵۷۹	آماره‌ی مجذور خی (خی دو)	آزمون کروییت بارتلت
۱۰۵	درجه‌ی آزادی	
۰/۰۰۱	سطح معناداری	

همان‌طور که جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهد، ۲ عامل به روش مؤلفه‌ی اصلی استخراج شده‌اند که مقادیر ویژه‌ی بالاتر از ۱ دارند. در مجموع، این مؤلفه‌ها ۸۲/۵۵۴ (حدود ۸۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کنند. سهم عامل اول ۵۴/۴۷۷ درصد و سهم عامل دوم با ۲۸/۰۷۷ درصد است.

جدول ۵. تبیین کل واریانس با مؤلفه‌های استخراج‌شده

مجموع مجذورات بارهای عاملی چرخش یافته			مقادیر ویژه		شماره (مؤلفه)
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	
۵۴/۴۷۷	۵۴/۴۷۷	۸/۱۷۲	۷۱/۷۳۲	۷۱/۷۳۲	۱
۸۲/۵۵۴	۲۸/۰۷۷	۴/۲۱۲	۸۲/۵۵۴	۱۰/۸۲۲	۲

همان‌طور که جدول شماره‌ی ۶ نشان می‌دهد، برای عامل طرد ذهنی ۲ مؤلفه به روش مؤلفه‌ی اصلی استخراج شده‌اند که مقادیر ویژه‌ی بالاتر از ۱ دارند.

جدول ۶. نتایج تحلیل عاملی مربوط به مؤلفه‌های عامل طرد ذهنی

عامل	شماره مؤلفه	نام مؤلفه	شماره گویه‌ها	گویه‌ها	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
طرد ذهنی	مؤلفه ۱	ناامیدی از آینده پیش رو، زیست جهان شککنده	۴۲	احساس محرومیت	۰/۹۲۵	۱۰/۷۶۰	۵۴/۴۷۷
			۴۰	احساس نبود پذیرش از طرف نهادهای رسمی	۰/۹۲۰		
			۴۴	احساس شرایط نابرابر اجتماعی	۰/۹۱۰		
			۴۱	نداشتن آینده‌ای معلوم	۰/۹۰۱		
			۴۳	احساس تنهایی و بی‌کسی	۰/۸۵۶		
			۳۲	احساس بی‌اعتمادی اعضای جامعه	۰/۸۴۹		
			۳۸	احساس تبعیض	۰/۸۲۹		
			۳۱	احساس حقارت و نگرانی از معرفی خود	۰/۷۹۳		
			۳۰	نداشتن رضایت از زندگی	۰/۷۸۳		
			۳۹	نداشتن آینده‌ی شغلی	۰/۷۷۴		
			۳۳	عدم دوست داشته شدن و یا خواسته نشدن	۰/۶۷۶		
طرد ذهنی	مؤلفه ۲	نبود پذیرش از طرف خانواده و دوستان	۳۶	احساس نبود پذیرش از طرف خانواده	۰/۸۸۵	۱/۶۲۳	۲۸/۰۷۷
			۳۵	احساس نبود پذیرش از طرف دوستان	۰/۸۶۴		
			۳۴	عادی بودن جرم	۰/۸۳۱		
			۳۷	احساس نبود پذیرش از طرف اقوام	۰/۷۴۱		
	مجموع	عوامل طرد ذهنی	-	شاخص‌های ۳۰ تا ۴۴	-	-	۸۲/۵۵۴

در مجموع، این عامل‌ها ۸۲/۵۵۴ درصد (حدود ۸۳ درصد) از کل واریانس را تبیین می‌کنند. سهم مؤلفه‌ی اول ناامیدی از آینده‌ی پیش رو، زیست‌جهان شکننده ۵۴ درصد و سهم مؤلفه‌ی دوم احساس نبود پذیرش از طرف خانواده و دوستان ۲۸ درصد است.

۵-۳-ارتباط بین مؤلفه‌های طرد عینی و طرد ذهنی

برای پاسخگویی به سؤال فوق، ابتدا با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنف، نرمال بودن توزیع متغیرها بررسی شد، که به علت نرمال نبودن بیشتر متغیرها، برای بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی غیرپارامتریک اسپیرمن استفاده شد. نتایج در جداول شماره‌ی ۷ و ۸ نشان داده شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنف مربوط به نرمال بودن توزیع متغیرها

عوامل طرد	متغیرها	آماره‌ی z	سطح معناداری
طرد عینی (عوامل بروز طرد)	ضعف پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رهاشدگی پس از آزادی	۱/۷۹۲	***۰/۰۰۳
	نبود پذیرش فرد از طرف خانواده و دوستان پس از آزادی	۱/۸۵۲	***۰/۰۰۲
	بدنامی اجتماعی و تنهایی فرد پس از آزادی	۱/۱۷۹	۰/۱۲۴
	ضعف اعتقادات دینی و اخلاقی فرد و خانواده	۱/۳۶۲	***۰/۰۴۹
	لغزش بنیان‌های خانوادگی	۱/۷۰۸	۰/۱۹۶
طرد ذهنی (عوامل تشدیدکننده‌ی طرد)	ناامیدی از آینده‌ی پیش رو، زیست جهان شکننده	۲/۰۵۶	***۰/۰۰۰
	نبود پذیرش از طرف خانواده و دوستان	۱/۴۵۴	***۰/۰۲۹

$$**P < 0/01 \quad *P < 0/05$$

براساس اطلاعات جدول شماره‌ی ۷، توزیع داده‌ها در بین بیشتر متغیرهای مطالعه شده غیرنرمال است ($P < ۰/۰۵$)، فقط در متغیرهای بدنامی اجتماعی و لغزش بنیادهای خانوادگی توزیع نرمال است ($P > ۰/۰۵$)؛ لذا برای بررسی روابط بین این متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره‌ی ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. ضرایب همبستگی اسپیرمن بین طرد عینی (عوامل بروز طرد) و طرد ذهنی (عوامل تشدیدکننده طرد)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. ضعف پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رهاشدگی	۱	-	-	-	-	-	-
۲. نبود پذیرش فرد از طرف خانواده و دوستان	۰/۴۷۲**	۱	-	-	-	-	-
۳. بدنمایی اجتماعی و ترس فرد پس از آزادی	۰/۷۱۷**	۰/۵۹۲**	۱	-	-	-	-
۴. ضعف اعتقادات دینی و اخلاقی فرد و خانواده	۰/۵۲۴**	۰/۵۷۷**	۰/۵۰۵**	۱	-	-	-
۵. لغزش بنیان‌های خانوادگی	۰/۵۱۷**	۰/۵۹۱**	۰/۵۸۳**	۰/۵۱۰**	۱	-	-
۶. ناامیدی از آینده رو به رو، زیست جهان شکننده	۰/۷۵۹**	۰/۷۲۰**	۰/۷۷۴**	۰/۵۷۶**	۰/۵۱۹**	۱	-
۷. نبود پذیرش از طرف خانواده و دوستان	۰/۵۸۹**	۰/۷۷۹**	۰/۷۱۲**	۰/۶۳۳**	۰/۵۶۱**	۰/۸۹۱**	۱

**P<0/01 n=81

براساس اطلاعات جدول شماره ۸، ضرایب همبستگی بین تمام ابعاد طرد عینی و طرد ذهنی مثبت و معنادار است ($P < 0/05$)؛ لذا چنین استنباط می‌شود که با افزایش عوامل بروز طرد اجتماعی، عوامل تشدیدکننده طرد نیز افزایش می‌یابند و بالعکس. بنابراین افزایش عوامل بروز طرد اجتماعی با افزایش عوامل تشدیدکننده طرد رابطه‌ی مستقیم دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس تجزیه و تحلیل داده‌های کمی، مؤلفه‌های طرد عینی شامل ضعف پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بی‌اعتمادی و رهاشدگی، نبود پذیرش فرد از طرف خانواده و دوستان، بدنمایی اجتماعی و تنهایی فرد پس از آزادی، ضعف اعتقادات دینی و اخلاقی فرد و خانواده و لغزش بنیان‌های خانوادگی است. این مؤلفه‌ها حدود ۷۰ درصد تغییرات طرد عینی را تبیین کردند. مؤلفه‌های طرد ذهنی شامل ناامیدی از آینده‌ی پیش‌رو، زیست‌جهان شکننده و نبود پذیرش از طرف خانواده و دوستان است. این مؤلفه‌ها حدود ۸۲ درصد تغییرات طرد ذهنی را تبیین کردند. روابط بین ابعاد

طرد عینی و طرد ذهنی مثبت و معنادار بود، یعنی عوامل طرد عینی رابطه‌ی مستقیم با عوامل طرد ذهنی داشت و بالعکس. بنابراین، توجه به عوامل طرد اجتماعی زنان زندانی، به خصوص ابعاد طرد عینی و طرد ذهنی مذکور، اهمیت زیادی دارد.

این یافته‌ها با نتایج تحقیق رضازاده مبنی بر تأثیر فقدان حمایت دوستان و خویشاوندان و فقدان مشارکت اجتماعی خانواده در تکرار جرم و بازگشت زنان به زندان (رضازاده، ۱۳۹۴)؛ عبدی مبنی بر تبعات و هزینه‌های زندانی شدن فرد نظیر ازدست دادن شغل یا موقعیت شغلی (عبدی، ۱۳۸۱)؛ نواح و همکاران مبنی بر وجود رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای جامعه‌پذیری، همبستگی و هنجارهای قومی با طرد اجتماعی (نواح، نبوی و حیدری، ۱۳۹۳)؛ زارع‌شاه‌آبادی و بلگوریان مبنی بر رابطه‌ی معنادار میان طردشدگی با میزان درآمد خانواده، نوع شغل پدر و بزهداری (زارع‌شاه‌آبادی و بلگوریان، ۱۳۹۳)؛ یعقوبی و علمی مبنی بر رابطه‌ی معنادار میان میزان پذیرش خانواده، میزان مهارت شغلی، میزان برچسب‌زنی با میزان بازگشت مجدد به زندان (یعقوبی و علمی، ۱۳۹۵)؛ هزارجریبی و صفری‌شالی مبنی بر ارتباط میان محیط اجتماعی نامناسب، فقدان پایبندی دینی فرد و خانواده، بیکاری، گروه دوستان، ارضاء‌نشدن نیازهای عاطفی، رضایت‌نداشتن از زندگی، فقدان احساس تعلق به خانواده و احساس محرومیت با میزان انحرافات اجتماعی زندانیان (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۸۸) انطباق دارد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، نحوه‌ی برخورد فردی و اجتماعی با زندانیان، پس از بازگشت به اجتماع، نقش اساسی در پیشگیری از جرم و ورود مجدد آنها به زندان دارد و این وظیفه‌ی تک‌تک اعضای جامعه است تا با پذیرش فرد و توجه به این نکته که هیچ انسانی مصون از اشتباه و خطا نیست، سهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ایفا کنند. براساس نظریه‌ی برچسب، جامعه با برچسب‌زدن به مجرمان باسابقه زمینه را برای بازگشت به زندان فراهم کرده است، به طوری که برچسب اجتماعی مانند طرد از خانواده و دوستان، به واکنشی در فرد مجرم منجر شده که چاره‌ای جز پذیرش تصویر مجرمانه و روی آوردن به همگنان نداشته و در نتیجه بازگشت به زندان را در پی داشته است. براساس این نظریه، هیچ عملی خودبه‌خود جرم نیست، بلکه این جوامع هستند که با جرم‌انگاری برخی از اعمال، به آنها عنوان کیفری می‌دهند. هیرشی در نظریه‌ی کنترل اجتماعی انحراف را ناشی از ضعف یا گسیختگی رابطه‌ی فرد با اجتماع در اثر فقدان تعلق به گروه یا جامعه می‌داند و علقه‌های اجتماعی از نظر او علاقه، مشغولیت، تعهد، ایمان و عقیده‌اند. با توجه به نظریه‌ی کنترل اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت مجرمان باسابقه با ارزش‌های جامعه سازگاری کمتری دارند، زیرا برچسب‌خورده‌گان به دلیل طرد از جامعه کمتر با باورها و ارزش‌ها سازگار شده‌اند؛ لذا طرد و

برچسب‌زنی احتمال بازگشت به زندان را افزایش داده است.

ویلیام گود در نظریه‌ی آنومی و ساختار خانواده با تأکید بر نهاد خانواده و ارزش‌های حاکم بر آن، به همبستگی و فقدان همبستگی اعضای خانواده توجه کرده است و نقش خانواده را در جلوگیری از کج‌روی و ارتکاب جرم مؤثر می‌داند. او خانواده را تأمین‌کننده‌ی نیازهای جسمی و منبع رشد می‌داند. برطبق نتایج این پژوهش، بالارفتن میزان احساس تعلق به خانواده در کاهش انحرافات اجتماعی نقش مهم و تأمل‌برانگیزی دارد. پس اگر خانواده‌ها در مرحله‌ی اول درست عمل نکنند، جامعه و محیط نیز نمی‌توانند کارکرد سازنده و همه‌جانبه داشته باشند. در الگوی نظری آنومی و کارکردگرایی دورکیم، جرم یک پدیده‌ی اجتماعی تلقی می‌شود. دورکیم کج‌رفتاری و جرم را ناشی از تناقض هنجارها و گاهی فقدان یا ضعف هنجارها می‌داند. او همچنین معتقد است که انسجام و یکپارچگی بین اعضای خانواده در جلوگیری از جرم و انحراف مؤثر است و احتمال قانون‌شکنی را کاهش می‌دهد. یکی از عوامل مؤثر گرایش به کج‌رفتاری وجود فرصت‌ها و شرایطی است که زمینه‌ی گرایش فرد را به ارتکاب جرم و بزه‌کاری فراهم می‌کند. نظریه‌ی خرده‌فرهنگ، منشأ اجتماعی را عامل جرم می‌داند و ریشه‌ی مشکلات را در ماهیت ساختار اجتماعی، به‌ویژه الگوهای همسایگی و زندگی اجتماعی، جستجو می‌کند؛ یعنی زندگی در مناطقی که گروه‌های بزهکار در آنجا فراوان است. کج‌رفتاری و ارتکاب جرم حاصل همین فشارهای ساختاری و اجتماعی است. میزان رشد جمعیت در این مناطق بالاست و افراد ساکن در این محلات پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالایی ندارند. در چنین مناطقی، خرده‌فرهنگ بزهکاری، در مورد زنان و مردان، به‌صورت خرده‌فرهنگ رایج درون هنجارهای کلی جامعه قرار می‌گیرد. زندان، اصلی‌ترین مجازات، یکی از اقلام عمده و رسمی هزینه‌ی ارتکاب جرم است و در کنار آن هزینه‌های دیگر مثل ازدست‌دادن شغل یا موقعیت شغلی، طرد اجتماعی نیز وجود دارد. طرد اجتماعی از جمله هزینه‌های غیررسمی است که فرد مجرم و زندانی را درگیر می‌کند و هرچه این طرد بیشتر باشد، امکان ارتکاب جرم را زیاد می‌کند. زندانیان آزادشده به‌علت بیکاری گرایش بیشتری به ارتکاب مجدد جرم دارند. مرتن معتقد است که فقر باعث رفتار انحرافی می‌شود، زیرا فشار ساختاری جامعه به افراد از طریق تشویق‌ها و تبلیغاتی که درباره‌ی اهداف فرهنگی انجام می‌شود، باعث کج‌روی می‌شود. آنومی و بی‌هنجاری زمانی اتفاق می‌افتد که هنجارهای اجتماعی با واقعیت اجتماعی در ستیزند و از این طریق بر افراد جامعه فشار وارد می‌کنند.

براساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود خانواده‌ی زندانیان به‌طور مداوم آموزش داده شوند تا با پذیرش زندانی و حمایت‌های مادی و معنوی از او، پس از آزادی، امکان تکرار جرم و بازگشت او را به زندان کاهش دهند. به این منظور لازم است، دوره‌های مشاوره و راهنمایی برای خانواده‌ی تمام زندانیان با هدف پذیرش زندانی، مداوم و مستمر، اجرا شود. در حوزه‌ی اقتصاد نیز می‌توان با فراهم کردن فرصت‌های اشتغال در زندان برای زنان زندانی که قشر آسیب‌پذیر جامعه نیز هستند شرایطی را فراهم کرد تا بعد از آزادی، تهیه‌ی حداقل امکانات زندگی برای آنان مقدور باشد. همچنین با توجه به آنکه محیط زندان در افزایش بزهکاری افراد در نتیجه‌ی تعامل با افراد سابقه‌دار تأثیر زیادی دارد، پیشنهاد می‌شود که محیط زندان به لحاظ فیزیکی و طبقه‌بندی برای بهبود وضعیت زندانیان اصلاح شود تا زندان به محلی برای آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شغلی تبدیل شود. برای افزایش مهارت‌های زندگی و رشد اجتماعی، برگزاری کلاس‌های غنی‌سازی روانی و اجتماعی برای مددجویان، پس از آزادی، نیز مفید است.



منابع

- ◀ احمدی، حبیب و لیلا نیک‌پورقنوتی، ۱۳۸۴. «بررسی و مطالعه‌ی جرائم زنان»، اصلاح و تربیت، ش ۴۸.
- ◀ آرون، ریمون، ۱۳۹۱. *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ◀ باقری، معصومه، حسین ملتفت و کریم رضادوست، ۱۳۸۸. «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم»، *دانش انتظامی*، س یازدهم، ش ۴.
- ◀ بلیک‌مور، کن، ۱۳۹۲. *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه: علی اصغر سعیدی و سعید صادقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- ◀ دلپسند، کامل، علی ایار و سعید خانی، ۱۳۹۱. «حمایت اجتماعی و جرم»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، د اول. ش ۶.
- ◀ رضازاده، مرضیه، ۱۳۹۴. *بررسی بسترهای طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر چرخه بازگشت به زندان*، طرح پژوهشی دفتر آموزش و پژوهش اداره کل زندانهای استان خراسان رضوی (مرکز مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی).
- ◀ رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲. *آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمین پتانسیل آنومی در شهر تهران*، تهران: سروش.
- ◀ زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و مستانه بلگوریان، ۱۳۹۳. «بررسی رابطه طرد اجتماعی و بزهکاری در میان دانشجویان دختر دانشگاه یزد»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س ۴، ش ۲.
- ◀ زیبرا، مارتین، ۱۳۹۳. *نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی*، ترجمه: سیدحسین حسینی، تهران: آن.
- ◀ سخاوت، جعفر، ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ◀ شمس، علی، ۱۳۸۷. *آسیب‌شناسی زندان*، تهران: راه تربیت.
- ◀ صادقی‌فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی، ۱۳۹۴. «تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان». *زن در توسعه و سیاست*، س ۱۲، ش ۳.
- ◀ صدیق سروستانی، رحمت‌الله، ۱۳۸۶. *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: سمت.
- ◀ طغرل‌انگار، حسن، ۱۳۸۷. «زنان زندانی و جایگزین‌های حبس ضرورتی مغفول»، *اصلاح و تربیت*، ش ۷۲.
- ◀ عبدی، عباس، ۱۳۸۱. *آسیب‌شناسی اجتماعی*، قم: سپهر.
- ◀ عرفانی، محمود، رحیم داورنیا و حسین بخشی‌زاده، ۱۳۹۰. «بررسی تأثیر زندان بر تکرار جرم، مورد مطالعه زندان مرکزی اردبیل»، *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ش ۱.

- ◀ غفاری، غلامرضا و رضا امید، ۱۳۹۴. «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطرودیت اجتماعی»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۴.
- ◀ فیروزآبادی، احمد و علیرضا صادقی، ۱۳۸۹. «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، د ۱، ش ۱.
- ◀ قاسمی‌نژاد، ابوزر، ۱۳۹۸، «فهم معنای توسعه اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان»، (پایان‌نامه دکترا، رفاه اجتماعی)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ◀ قاضی‌نژاد، مریم و الهام ساوالان‌پور، ۱۳۸۸. «بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد»، مسائل اجتماعی ایران، س ۱۶، ش ۶۳.
- ◀ قلخان‌باز، احمد، سلمان خزایی و مریم افشاری، ۱۳۹۱. «عوامل مرتبط با تکرار زندانی‌شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان»، پزشکی قانونی، س ۱۹، ش ۴.
- ◀ کفاشی، مجید و عنایت اسلامی، ۱۳۸۸. «بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی»، پژوهش اجتماعی، س ۲، ش ۴.
- ◀ کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، ۱۳۹۲، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- ◀ گودرزی، محمدرضا، ۱۳۸۲. «نارسایی‌های زندان»، الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی)، س سوم، ش ۹.
- ◀ گسن، ریمون، ۱۳۷۰. مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی. ترجمه: مهدی کی‌نیا، تهران: مترجم.
- ◀ گلدوزیان، ایرج و علی حدادی، ۱۳۹۵. «حبس‌های کوتاه‌مدت و تأثیر آن بر تکرار جرم»، هدایت و بازپروری، د ۱، ش ۱.
- ◀ مظاهری، مهرداد، نسرين خلیقی، مهوش رقیبی و حسن سرابندی، ۱۳۸۹. «شیوع اختلالات شخصیت در میان زندانیان زن زندان زاهدان»، تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، د ۱۳، ش ۳.
- ◀ معروفی، یحیی، ۱۳۸۹. «پیامدهای زندانی‌شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان»، خانواده‌پژوهی، س ششم، ش ۲۴.
- ◀ معظمی، شهلا و مهسا شیروی و معصومه صالحی، ۱۳۹۴، «تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری (دانشنامه حقوق و سیاست)، د ۱۱، ش ۲۳.
- ◀ موسوی، میرنجنف، رحیم سرور، افشار کبیری، خالد اسماعیل زاده، ۱۳۹۶. «تأثیر وام‌های اشتغال‌زایی بر ممانعت از تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان»، هدایت و بازپروری، د ۱، ش ۳.
- ◀ ملکمیان، لینا و سعید شریفیان، ۱۳۸۸. «بررسی عوامل مؤثر بر جرم در زنان زندانی»، پژوهش اجتماعی، زمستان، د دوم، ش ۵.
- ◀ نواح، عبدالرضا، سیدعبدالحسین نبوی و خیرری حیدری، ۱۳۹۳. «قومیت و احساس طرد اجتماعی، مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه: قوم عرب شهرستان اهواز)»، جامعه‌شناسی ایران، س

۱۷، ش ۴.

- ◀ هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی، ۱۳۸۸. «بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان استان مرکزی)»، *علوم اجتماعی*، ش ۴۶.
- ◀ وروایی، اکبر و عمران پرنداخ، ۱۳۹۵. «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)»، *علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، س دهم، ش سوم، پیاپی (۳۴).
- ◀ یعقوبی، محمد و محمود علمی، ۱۳۹۵. «نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، س نهم، ش ۳۵.
- Barber, B K, 1992. "Family, Personality and Adolescent Problem Behavior", *Journal of Marriage and the Family*, 54.
- Cochran, J. (2014) "Breaches in the Wall: Imprisonment, Social Support, and Recidivism", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 51 (2).
- Kendall, Philip C, 2000. *Child and adolescent therapy: Cognitive-behavioral procedures*, New York: Guilford.
- Madah, M, E Kheirkhahan, 2010. "Analyze The effect of economic development incentives and clawback", *Social Studies journal*, 71.
- Newton, Danielle, Andrew Day, Margaret Giles, Joanne Wodak, Joe Graffam & Eileen Baldry, 2016. "The Impact of Vocational Education and Training Programs on Recidivism A Systematic Review of Current Experimental Evidence", *International journal of offender therapy and comparative criminology*, 1 (62).
- Brunton-Smith, Ian & Daniel J McCarthy, 2016. "The Effects of Prisoner Attachment to Family on Re-entry Outcomes: A Longitudinal Assessment", *The Centre for Crime and Justice Studies (ISTD)*, V 57, I 2.
- Towel, G, 2003. *psychology in prisons*, UK: The Britishe Psychological Society and Blackwell Publishing Ltd.